

کشودگی اخلاقی* در منظر تربیت اسلامی

دکتر محمد رضا شرفی**

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

چکیده

از ویژگی‌های ضروری برای مؤفقت در تربیت، داشتن گشودگی اخلاقی، یا به تعبیری سعه صدر و داشتن ظرفیت بالای تحمل از جانب مربی است. این مقاله درصدد مفهومی شفاف‌تری از گشودگی اخلاقی و تبیین جایگاه آن در عرصه تربیت اسلامی است. برای این منظور، علاوه بر طرح تساهل منفی و مثبت پیشینه تاریخی را از منظر اندیشمندان غربی به ویژه ویلیام هر بررسی و به شواهد قرآنی و روایی موضوع نیز اشاره می‌شود و برای مبانی انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی سعه صدره دلالت‌هایی آورده و از حیث تاریخی نیز با چند برهان، استدلال می‌شود و در نهایت به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی بحث اشاره می‌شود و در چهار محور مشخص، نتایج به دست آمده ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها: گشودگی اخلاقی، سعه صدر، تساهل و تسامح، تربیت

اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* moral openness

** Email: msharafi@ut.ac.ir نویسنده مسئول

مقدمه

در قلمرو تربیت به کارگیری شیوه‌های مبتنی بر اصول و مبانی استوار، از عوامل توفیق در چنین عرصه‌ای محسوب می‌شود. یکی از روش‌های نسبتاً چالش برانگیز در تعلیم و تربیت، شیوه بهره‌گیری از گشودگی اخلاقی یا به تعبیر دیگر سعه صدر است که بعضاً از آن با عنوان "تساهل و تسامح" نیز یاد می‌شود. این شیوه متکی بر اصل تقدم "رحمت" بر "عقوبت" است.^۱ به این معنا که خدا به عنوان اولین معلم انسان^۲ در مواجهه با انسان، رحمت او بر غضب او تقدم دارد.

تربیت اسلامی به لحاظ اهتمام در به کارگیری حداکثر استعداد‌های متربی برای نیل به تحول ممکن، به چنین روشی متکی است. براساس این واقعیت که روش‌ها مأخوذ از بینش هاست، اسلام ابتدا سعی داشته است در متربیان خود بینش مطلوب ایجاد کند و به تبع آن مترصد دگرگونی در رفتارهای آنهاست.

هدف اصلی مقاله حاضر این است که با تبیین دلالت‌های قرآنی، روایی و سیره نبوی(ص) زمینه‌ای مهیا کند تا مریدان با به کارگیری روش مذکور به تعمیق و توسعه دگرگونی‌های مطلوب در متربیان نائل شوند.

مفهوم شناسی گشودگی اخلاقی

گشودگی اخلاقی^۳ به معنای داشتن ظرفیت و قدرت فکری و روحی در مواجهه با مسائل و موقعیت‌های نامطلوب و ناخواسته است. شایان ذکر است که در برخی فرهنگ‌ها از گشودگی اخلاقی به بی‌پروایی اخلاقی نیز تعبیر شده است، ولی منظور ما در این مقاله جنبه مثبت آن به معنای بردباری اخلاقی است. (ویکی‌پدیا^۴، ۲۰۰۶)

این واژه از یک لحاظ با مفهوم ذهن گشودگی^۵ قرابت بسیاری دارد. تعبیر ما از "ذهن گشودگی" نوعی تمایل و اراده برای بررسی و یا دریافت اندیشه‌ها و آرمان‌های نوین است. به

۱. سوره غافر: ۳

۲. "و علم آدم الاسماء کلها" و نیز سوره الرحمن / ۲، علق / ۵۴ و نیز بقره / ۲۸۲

3. moral openness

4 . Wikipedia

5. open- mindedness

نظر می‌رسد که با اندکی مسامحه واژه "سعه صدر" یا "شرح صدر" معادل مقبولی برای "گشودگی اخلاقی" و "ذهن گشودگی" باشد.

تولرانس واژه دیگری که از جهاتی با گشودگی اخلاقی نزدیک است، زیرا در معنای این واژه آمده: «رویکرد یا عملکرد فردی یا جمعی که براساس آن به مردم اجازه می‌دهد؛ به گونه‌ای متفاوت از دیدگاه فرد و یا گروه باشند یا عمل کنند. البته، این واژه غالباً در فرهنگ اصطلاحات دینی به کار می‌رود. (همان)

"تساهل" به معنای سهل گرفتن بر یکدیگر، آسان گرفتن، به نرمی رفتار کردن و "تسامح" نیز به معنی آسان گرفتن و مدارا کردن، کوتاهی کردن و فروگذاری کردن (عمید، ۱۳۴۳، ص ۳۸۷) اغلب به همین معنا به کار رفته و می‌تواند معادل گشودگی اخلاقی قرار گیرد.

تساهل منفی و تساهل مثبت

در قلمرو فلسفه سیاسی معاصر، تساهل منفی سلبی به معنای مداخله نکردن در امور مردم و رها کردن آنها به حال خود است. بر پایه این نظریه هر فرد در ارتباط با مسائل مختلف زندگی، گزینش‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود کاملاً آزاد است و کسی حق دخالت در محدوده آزادی فردی دیگر را ندارد. این نظریه را جان لاک در سال ۱۶۸۵ میلادی طرح کرد. تساهل مثبت پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی و برخوردار شدن آنها (به ویژه اقلیت‌ها) از فرصت‌های برابر در جامعه است. در سایه به کارگیری تساهل مثبت مردم قادر خواهند بود به مدد خدمات اجتماعی و اقتصادی که از سوی دولت ارائه می‌شود از امکانات موجود در جامعه بهره‌مند شوند (رستگار، ۱۳۸۵ به نقل از محمودی)

پیشینه تاریخی اندیشمندان غربی

در فرهنگ غرب نام کسانی همچون جان میلتون و جان لاک، به گونه‌ای با تساهل و تسامح^۱ آمیخته است. جان میلتون (۱۶۷۴-۱۶۰۸) به عنوان شاعر و متفکری نام‌آور، در خصوص "آزادی" در پارلمان انگلیس تحت عنوان "Areopagitica" سخنرانی کرد. جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴) فیلسوف انگلیسی نیز رساله‌ای با عنوان "مکتوبی در باب تساهل و مدارا"

نگاشت و پس از آن به لوایح قانونی اشاره کرد که متضمن ده اصلاحیه بود، که ابتدا در سال ۱۶۸۹ در انگلیس و سپس در سال ۱۷۹۱ در آمریکا طرح شد. ولتر که در قرن ۱۸ مقاله‌ای در باب تساهل تألیف کرد و نیز جان استوارت میل (۱۸۷۳-۱۸۰۶) که رساله‌ای در باب "آزادی" نگاشت؛ صورت دیگری از توجه به "تساهل و تسامح" است.

از دیگر اندیشمندان غربی که به گونه‌ای متمرکز به سعه صدر را بررسی کرده‌اند، ویلیام هر^۱ را می‌توان نام برد. او اصول زیر را برای سعه صدر پیشنهاد کرده است: (وکیلی، ۱۳۸۳، ص ۶۹، و ۷۰ به نقل از ویلیام هر، ۱۹۹۶)

۱- اصل حریت^۲ (آزادی): با تکیه بر چنین اصلی ابراز عقاید و آگاهی از عقاید دیگران آزاد است.

۲- اصل عقلانیت مبتنی بر شواهد^۳: استدلال مبتنی بر عقل و شواهد تشخیص بهترین و درست ترین نتایج را موجب می‌شود.

۳- اصل بی طرفی^۴: رعایت بی طرفی در توجه به نظر دیگران، پرهیز از تبلیغ و تلقین نظر خویش به دیگران اساس چنین اصلی را تشکیل می‌دهد.

۴- اصل شک و تردید^۵: آگاهی از یک دیدگاه خاص موجب نمی‌شود آن به عنوان یک نظر کامل و بدون نقص تلقی شود، بلکه زمینه‌ای برای بررسی گسترده تر آن است.

۵- اصل استحکام^۶: نظرات تا جایی دوام و استحکام برخوردارند که عقاید جدیدتر، براساس عقلانیت و شواهد، کشف شوند.

۶- اصل پذیرش^۷: مفهوم این اصل چنین بیان می‌شود که فرد در صورت مشاهده و درک دلایل مستند و قوی تر باید به اصلاح عقاید خود تمایل داشته و آن را تغییر دهد.

به نظر می‌رسد اصول مذکور با تکیه بر عقلانیت و شواهد مستدل مقبول هستند ولیکن تعیین مرز تفاوت و تشخیص تبلیغ و تلقین نظر و عقیده از تفهیم آن دشوارتر است. با این حال برخی منتقدان نظیر پیتر گاردنر^۸ ضمن ارائه کردن مقاله‌ای به نام "چهار نگرانی درباره سعه

1. William Hare
2. The Principle of Freedom
3. The Principle of Rationality based on documents
4. The Principle of Naturality
5. The Principle of Hesitation
6. The Principle of Tenacity
7. The Principle of Acceptance
8. Peter Gardner

صدر^۱ برخی افکار و اندیشه‌های "ویلیام هر" را نقد می‌کند که بیان آن از موضوع این مقاله خارج است.

در حال حاضر، بسیاری از مؤلفان آثار مرتبط با تساهل و تسامح (تولرانس)، در انجمن مطالعات اخلاقی در خصوص تولرانس در دپارتمان بخش سیاسی دانشگاه یورک انگلیس فعالیت می‌کنند.

سعه صدر در منظر اسلام

دلالت‌های ناظر به مقوله سعه صدر در اسلام را در سه بخش می‌توان بررسی کرد:

الف: دلالت‌های قرآنی

در منظر قرآن کریم به دلالت‌های تصریحی و تلویحی در این زمینه می‌توان اشاره کرد. ابتدا در پاره‌ای از آیات صراحتاً به "سعه صدر" به عنوان یک فضیلت اشاره شده است:

"قال رب اشرح لی صدري" (طه / ۲۵)

موسی عرضه داشت: «پروردگارا؛ شرح صدرم عطا فرما»

«المر فشرح لك صدرك» (انشراح / ۱)

«ای رسول گرامی) آیا ما تو را شرح صدر عطا نکردیم؟»

«فمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من نوره» (زمر / ۲۲)

«آیا آن کس را که خدا برای اسلام شرح صدر (و فکر روشن) عطا فرمود که وی به نور

الهی روشن است با مردم کافر بی نور تاریک دل یکسان است؟»

«فمن یرد الله بهدیه پیشح صدره للإسلام» (انعام / ۱۲۵)

«پس هر که را خدا هدایت او خواهد، قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن گرداند»

در آیات مذکور "سعه صدر به عنوان موهبتی الهی تلقی شده که حضرت موسی (ع) برای

مؤفقیت در امر نبوت را از خداوند کمک خواسته و باز به عنوان عنایت بزرگ الهی به پیامبر

اسلام(ص) مطرح شده است و در موارد دیگر از "سعه صدر" به عنوان نوری از جانب حق و

نیز معیاری برای هدایت پذیری یاد شده است.

علاوه بر اشارات مستقیم قرآنی به "سعه صدر"، در مواردی به گونه‌ای تلویحی به آن امر

1. Four Anxieties about open- Mindedness (1982)

اشاره شده است که از جمله هنگام عزیمت حضرت موسی (ع) و برادرش هارون (ع) به دربار فرعون، این گونه خطاب آمد که:

«فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه / ۴۴)

«و با او با کمال نرمی و آرامی سخن گویند، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند)»

و نیز شریفه:

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف / ۱۹۹)

«(ای رسول ما) طریقه عفو و بخشش پیش گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی گردان»

بدیهی است عفو و بخشش پیامبر (ص) یکی از مراتب بالای سعه صدر و مدارا با کسانی است که زمانی در صف دشمنان اسلام قرار گرفته بودند. اینک دلالت‌های روایی سعه صدر را بررسی می‌کنیم:

ب: دلالت‌های روایی

از روشن‌ترین دلالت‌ها در این زمینه، کلام رسول اکرم (ص) است که فرمودند:

«بَعِثْتُ عَلَى الشَّرِيعَةِ الْمَسْحَةَ السَّهْلَةَ» (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۱)

«به دینی آسان و سهل برانگیخته شدم»

و در روایتی دیگر از ایشان نقل شده است که فرمودند:

«لَمْ يَرْسَلْنِي اللَّهُ بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفَةِ السَّمْحَةِ» (همان، ج ۵، ص ۴۹۴، ح ۱)

«خداوند مرا به گوشه‌گیری و انزوا نفرستاده است، بلکه به آیینی مستقیم، آسان و با گذشت مبعوث شده‌ام»

و از حضرت امیر (ع) نیز به نقل دو روایت زیر اکتفا می‌کنیم:

«رَوَايَتُ أُولَى: «أَلَّهُ الرِّيَاسَةَ سَعَةً الصِّدْقِ» (محمدی و دشتی، ۱۳۶۹، حکمت ۱۷۶)

«بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است»

روایت دوم:

«الْمُؤْمِنُ بِشْرًا فِي وَجْهِهِ وَحَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ. أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا» (همان، حکمت ۳۳۳)

«شادی مؤمن در چهره او و اندوه او در دل او پنهان است، سینه او از هر چیزی فراخ‌تر است»

ارزیابی روایات مذکور، بیان کننده آن است که اساس دیانت اسلام بر رفق و مدارا استوار شده و از نشانه‌های مؤمنان حقیقی شرح صدر آنها است.

ج- دلالت‌های سیره نبوی (ص) و علوی (ع)

از مجموعه سیره پیشوایان دین، صرفاً دو نمونه را بیان و پس از آن نتیجه گیری می‌کنیم:
مورد اول: استاد شهید مطهری می‌نویسد:

«پیامبر اکرم (ص) در مسائل فردی و شخصی و درباره آنچه به شخص خودش مربوط بود، نرم و ملایم و با گذشت بود. گذشت‌های بزرگ و تاریخی او یکی از علل پیشرفت او بود، اما در مسائلی اصولی و عمومی آنجا که حریم قانون بود، سختی و صلابت نشان می‌داد و دیگر جای گذشت نمی‌دانست. پس از فتح مکه و پیروزی بر قریش، تمام بدی‌هایی مرتکب شده قریش در طی بیست سال نسبت به ایشان را نادیده گرفت...، اما در همان فتح مکه زنی از قبیله بین مخزوم مرتکب سرقت شد و جرمش محرز شد. خانواده آن زن که از اشراف قریش بود، اجرای حد سرقت را توهینی به خود تلقی کردند و خواستند که پیامبر (ص) از اجرای حد صرف نظر کند، اما پیامبر (ص) فرمود: «مگر قانون خدا را می‌توان به خاطر افراد تعطیل کرد؟ اقوام و ملل پیشین از آن جهت سقوط کردند که در اجرای قانون الهی تبعیض اعمال می‌کردند. هرگاه یکی از اقویا مرتکب جرم می‌شد، معاف می‌شد و اگر ضعیف و زیردستی مرتکب می‌شد، مجازات می‌گشت...» (مینوی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰)

مورد دوم: «ابن ابی العوجا با یاران خود در مسجد رسول الله نشسته بود و در هنگام بحث و گفتگو سخنی بر رد توحید بر زبان آورد. مفضل که در کناری نشسته بود، این مطالب را شنید و به تندی اعتراض کرد. ابن ابی العوجا گفت: «اگر تو از متکلمانی، بیا درباره اصول و مبانی کلامی با هم بحث کنیم، اگر واقعاً دلایل قوی داشته باشی، ما تو را می‌پذیریم و اگر از متکلمان نیستی، ما را با تو سخنی نیست. اگر هم از اصحاب جعفر بن محمدی که او با ما این جور حرف نمی‌زند، بلکه او سخنان ما را استماع می‌کند، صبر می‌کند تا ما آنچه در دل داریم بیرون بریزیم و یک کلمه سخن نمی‌گوید. او چنان آرام و ساکت است و با دقت گوش می‌کند که ما گمان می‌کنیم ایرادی در سخنان ما وارد نیست، اما به هنگام جواب با مهربانی جواب ما را می‌دهد. با جمله‌هایی کوتاه و پرمغز چنان راه را بر ما می‌بندد که ما قادر به پاسخ نیستیم. اگر تو از اصحاب او هستی، مانند او حرف بزن»

ابن ابی العوجا نزد امام صادق(ع) رفت و جریان را نقل کرد و این زمینه‌ای برای آموختن درس‌های توحید به مفضل شد که اکنون به صورت کتابی به نام "توحید مفضل" در دسترس همه می‌باشد. (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۸ و ۵۷)

مبانی نظری سعه صدر

تکیه گاه استناد شده برای به کارگیری سعه صدر، شامل مبانی جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی به شرح زیر است:

مبانی انسان‌شناختی سعه صدر

در این بخش دلالت‌هایی ارائه می‌شود که ناظر به مؤلفه‌های انسان‌شناختی در منظر اسلام بوده و با تکیه به آنها می‌توان ضرورت به کارگیری سعه صدر را تبیین کرد، مهمترین دلالت‌های مذکور عبارتند از:

۱- کرامت ذات انسان: در منظر اسلام اگر کرامت به ذات اقدس الهی (نمل / ۴۰) قرآن مجید (واقعه/ ۷۷) رسول گرامی اسلام(ص) (حاقه/ ۴۰) و جبرئیل(ع)(تکویر/ ۱۹) نسبت داده شده، ولی به آنها محدود نشده، بلکه شعاع کرامت وجود آدمی را نیز در بر گرفته است.

(اسراء/ ۷۰)

«ولقد کرمنا بنی آدم»^۱

با قبول کرامت انسان، باید واقعیت دیگری را به تبع آن پذیرفت و آن رعایت "سعه صدر" در مواجهه با انسان هاست. چه آنکه رفتار تنگ نظرانه و طرد کننده با مقام و موقعیت انسان با کرامت سازگاری ندارد.

۲- خطاپذیری آدمی: ترکیب طبیعت آدمی از عقل^۲ (اسراء/ ۳۶) و شهوت^۳ (آل عمران/ ۱۴) ایجاب می‌کند که وقوع خطا را برای انسان نه جائز، بلکه ممکن تلقی کنیم. زیرا نزاع دائمی

۱. «همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم»

۲. «ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولاً» «گوش و چشم و دل (نیروی ادراکی)، همه مسئولند» و نیز رک به جوادی آملی(۱۳۷۴) تفسیر موضوعی قرآن، ج ۹، ص ۲۰۱

۳. «زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و...» «محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است»

بین عقل و شهوت اغلب موازنه را به نفع شهوت و زمین خوردن عقل بر هم می‌زند.^۱ (میزان الحکمه ۴۰۵/۶) در این صورت با فرض خطا و لغزش او باید راهی یافت که بازگشت پذیری خطاکار سهل تر از تداوم خطارکاری او باشد. بر این اساس "سعه صدر" عاملی تلقی می‌شود که با اعطاء فرصت مجدد به خطاکاران^۲، آنها را به راه رشد و بالندگی سوق دهد.

۳- تنوع رفتارهای آدمی: مواجهه منطقی با رفتارهای متنوع انسان، مستلزم تنوع عکس العمل از جانب اطرافیان به ویژه مربی است و هر اندازه رفتار مربی تنوع بیشتری داشته باشد، عکس العمل‌های مربی نیز باید انعطاف بیشتری داشته باشد تا توانایی پاسخگویی به نیازهای مربی را دارا باشد. در منظر قرآن، انسان‌ها متفاوت آفریده شده‌اند.^۳ (نوح/۱۴) و براساس این واقعیت، شیوه ارتباط انبیاء در ارتباطات گوناگون با امت‌های خود متفاوت و متناسب با اوضاع آنها، تنظیم می‌شد و به ویژه از حیث ارتباط کلامی نوعی تناسب میان خطاب و مخاطب، رعایت می‌شد. پیامبر اسلام (ص) فرمودند:

« انا معاشر الانبیاء امرنا ان نكلم الناس علی قدر عقولهم »

« ماگروه پیامبران، ما موریم با مردم به اندازه میزان درک و فهم آنها سخن گویم » (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۷)

بدیهی است متولیان امر تعلیم و تربیت، برابر فرموده قرآن که پیامبر اسلام^۴ (ص) حضرت ابراهیم^۵ و امت ایشان^۶ را الگو معرفی می‌کند باید به آن بزرگواران تأسی جسته و ضمن پذیرش تفاوت‌ها و تنوع‌ها، از شیوه‌های مبتنی بر رفق، مدارا و سازگاری مناسب بهره گیرند. ۴- تحول پذیری آدمی: از پایه‌ها و مبانی انسان‌شناختی برای به کارگیری روش "سعه صدر" امکان تحول آدمی است. در منظر اسلام برای ایجاد دگرگونی عمیق در آدمی، محدودیتی

۱. "العقل و الشهوة ضدان" ... والنفس متنازعه بينهما... (امام علی (ع))

۲. "و املی لهم ان کیدی متین" (اعراف/ ۱۸۳) و (قلم/ ۴۵)

۳. "و قد خلقکم اطواراً" (نوح/ ۱۴) «و حال آنکه او (خدا) شما را به انواع خلقت و اطوار گوناگون (مراتب آدمیت) بیافرید»

۴. سوره احزاب/ ۲۱

۵. سوره ممتحنه/ ۴

۶. سوره ممتحنه/ ۶

وجود ندارد. مرزهای سنی، نژادی، اعتقادی، هیچ یک مانعی برای ایجاد تحول انسان محسوب نمی‌شود. در این زمینه به آیه زیر استناد می‌کنیم: «قالوا انا الی ربنا منقلبون» (اعراف/ ۱۲۵)

«(سحره دربار فرعون) گفتند: ما به سوی خدای خود باز می‌گردیم»

منقلبون در این آیه به معنای انقلاب (درونی) از ریشه "قلب" به معنای برگرداندن انسان از طریقه خود می‌باشد. (قاموس قرآن، قرشی، ج ۶، ص ۲۳) با توجه به اینکه ساحران دربار فرعون سالیانی در خدمت او و عقیده او بوده و متأثر از موقعیت فرعون بودند و لیکن با دیدن آیات الهی انقلاب روحی در آنها ایجاد شده و متحول شدند.

از شواهد دیگر برای تحول پذیری آدمی، هدفی است که انبیاء و سفیران الهی برای آن مبعوث شدند و ان انتقال مردم از ظلمات (کفر و نفاق و شرک) به نور (هدایت) است. (بقره/ ۲۵۷) و نیز توجه به باب توبه و بازگشت آدمی به سوی خداست (مائده/ ۳۹) و نتیجه آن هم بازگشت خدا به سوی اوست (همان) با این توضیح که توبه مرزهای سنی، جنسیتی، نژادی و طبقاتی نداشته و ندارد و همه را برای تحول پذیری شامل می‌شود.

براساس اعتقاد به تحول پذیری آدمی، ضرورت دارد که مربیان، ظرفیت‌هایی نظیر سعه صدر داشته باشند (طه/ ۲۵)

مبانی جامعه شناختی سعه صدر

پدیده سعه صدر علاوه بر مبانی انسان شناختی، مبانی جامعه شناختی نیز دارد. از مهمترین مبانی جامعه شناختی سعه صدر، اصل مسئولیت اجتماعی را می‌توان نام برد. با این توضیح که فرد در قبال جامعه مسئولیت‌های دقیق و مشخصی دارد.^۱ این مسئولیت‌ها در حد فاصل بین بی تفاوتی و سهل انگاری نسبت به رویدادهای جامعه از یک سو و سیطره و اعمال حاکمیت اراده فرد و جامعه از سوی دیگر^۲ (غاشیه/ ۲۲) تعریف می‌شود. لازمه تحقق مسئولیت‌های مذکور، داشتن از ظرفیت خویشنداری، صبر و مدارا و به عبارتی سعه صدر است.^۳ (احقاف/ ۳۵)

در منظر اسلام هرگونه بی تفاوتی و بی توجهی نسبت به سرنوشت مردم و جامعه نفی

۱. "کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة" مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۸

۲. "لست علیهم بمُضِیطر" (غاشیه/ ۲۲) تو (ای پیامبر) مسلط و توانا بر (تبدیل کفر به ایمان) آنها نیستی

۳. "فاصبر کما صبر الوالعزم من الرسل و لا تستعجل لهم" (احقاف/ ۳۵)

شده است (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۶۴) و از لوازم ایمان بر این نکته تأکید شده است که مؤمن خود را به زحمت و رنج می‌افکند تا مردم در پرتو او در آسایش و راحتی باشند. (مفید، ۴۱۳ق، ص ۱۴۳) علاوه بر این موارد، تأکید بر مسئولیت عمومی انسان در قبال جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی است. (فرید، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۱۳)

گستره مسئولیت اجتماعی فرد در منظر اسلام تا حدی است که هدایت یک انسان همچون هدایت یک جامعه و ضلالت یک فرد بسان ضلالت یک جامعه تلقی شده است (مائده/ ۳۲) با توجه به چنین رویکردی لازمه احساس مسئولیت در قبال آحاد مردم، داشتن از ویژگی‌هایی مانند قدرت پاسخگویی به نیازها، روحیات و مقتضیات متنوع جامعه است، از جمله آنها سعه صدر و داشتن ظرفیت‌های رفق و مداراست که به عنوان مثال می‌توان به اخلاق اجتماعی پیامبر اسلام (ص) استناد کرد. مواجهه پیامبر اسلام (ص) در رویداد تاریخی فتح مکه پس از حدوداً ۱۳ سال تحمل رنج و شکنجه از جانب مردم آن دیار که مبتنی بر بخشش و عفو عمومی بود، نشان دهنده سعه صدر بالای آن پیامبر بزرگوار است.^۱ به همین منظور قرآن کریم از "سعه صدر" به عنوان یک فضیلت و موهبت الهی برای پاره‌ای از پیامبران بزرگ خود نام می‌برد. (انشراح/ ۱ و طه/ ۲۵)

دلالت‌های سعه صدر در تاریخ اندیشه اسلامی

اینک به بیان پاره‌ای از شواهد بر سعه صدر در منظر تربیت اسلامی را بیان می‌کنیم:

۱- گستره سرچشمه‌های معرفت
آموزه‌های اسلام با اصالت بخشیدن به "معرفت" (مجادله/ ۱۱)^۲ مرزهای کسب و اخذ آن را فراتر از محدوده‌های اعتقادی و جغرافیایی ترسیم کرده و مسلمانان را تحریص به فراگیری آن می‌کند. (زمر/ ۹)^۳ اگرچه به بهای ریخته شدن خون آنها و یا فرو رفتن در اعماق دریا

۱. شعاعی از نیر اعظم (ص) ف ۱۳۸۵، تحقیق و تدوین: دفتر فرهنگی فخرالائمه (ع) ص ۱۸۱ و نیز فراهایی از

تاریخ پیامبر اسلام (ص)، جعفر سبحانی، ص ۴۳۵

۲. "یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات"

۳. "هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون"

شود.^۱ (منیه المرید، شهید ثانی، ۱۳۸۵) تشویق به جستجوی حکمت ولو از کسانی که منافق^۲ هستند، (بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۲، ص ۹۹، ح ۵۷) یا از هر جایی که حکمت وجود داشته باشد.^۳ (همان، ح ۵۶)، نمونه‌ای از سعه صدر در چنین منظری است.

۲- جدال احسن

در معنای جدال آمده است که مقابله با خصم به منظور منصرف کردن او از رأی خود را جدال می‌گویند و مقصد از جدال آن است که طرف از رأی خود برگردد. (قرشی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۲۳) توضیح مطلب این است که غیرمسلمان اعم از کافران و مشرکان و پیروان دیگر ادیان بر دو دسته‌اند:

دسته اول: کسانی که در نظام اسلامی و یا بیرون از آن نظام زندگی می‌کنند و کاری به نظام اسلامی ندارند، سفارش قرآن کریم این است که با آنها نیکی کنید و نسبت به آنها با عدالت رفتار کنید. (ممتحنه/۸)

دسته دوم: کسانی که علیه نظام اسلامی و مسلمانان توطئه می‌کنند. خداوند متعال به گفتگو با آنها فرمان داده است: «و لا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن» (عنکبوت/۴۶) «و جادلهم بالتي هي احسن» (نحل/۱۲۵) در تفسیر آیه اخير آمده که منظور از جدال نیکو آن است که در آن توهین و تحریک غلط احساسات نباشد. (تفسیر نور، ج ۶، ص ۴۷۴) و منظور این است که با مخالفان به صورت منطقی رفتار کنید.

و چنانچه از جدال احسن به عنوان فرصتی برای هدایت آنها نتیجه‌ای به دست نیامد، و آنها قصد فساد و فتنه داشته باشند، باید با آنها متکبرانه رفتار کرده و به نظر علامه مهدی نراقی باید از موضع قدرت با آنها رفتار کرد. (رستگار، ۱۳۸۵)

۳- تنوع فرهنگی

به اعتقاد برخی صاحب نظران، فرهنگ‌ها و دانش‌های کهن دشوار، جذب فرهنگ اسلامی شدند و این فرهنگ به نوبه خود به اروپا رسید و به مکاتب و مدارس آن غنا بخشیده و اسباب

۱. "لو علم الناس ما في طلب العلم لطلبوه ولو بسفك المهج و خوض اللجج"

۲. "خذ الحكمة ولو من اهل النفاق"

۳. خذ الحكمة اني كانت"

احیاء و پیشرفت آن را فراهم کرد (نخستین، ۱۳۶۷، ص ۲۸) و به همین منظور می‌افزایند: «فرهنگ اسلامی در قرن ۱۵ به فرهنگ بی نظیری تبدیل شد که از ترکیب عناصر تمدن‌های مردمان کاملاً پیشرفته به وجود آمد که تسلیم اسلام شده بودند. حتی عناصری از منابع ایرانی، هندی، ترکی و چینی نیز در ترکیب فرهنگ اسلام مشاهده می‌شود (همان)

درحقیقت باید دید آن عامل اصلی چیست؟ که بستر سازی مناسبی برای این تنوع فرهنگی فراهم می‌آورد؟ پاسخ بسیار روشن است، روح سعه صدر و بلندنظری آموزه‌های اسلام که درخود توانایی کنارآمدن با مؤلفه‌های فرهنگی بیگانه را باور دارد.

مهدی نخستین، در تحلیل دقیق تر این موضوع می‌نویسد: «مسلمانان از طریق نظام آموزشی خود برگزیده فرهنگ‌های کهن را جذب و اصلاح کردند. فلسفه، علوم پزشکی، ریاضیات و علوم صنعتی هلنی، ریاضیات، پزشکی و ادبیات هند، و مذاهب، ادبیات و علوم پارسی، تفسیرهای سریانی بر علم و فلسفه هلنی از جمله زمینه‌هایی هستند که مسلمانان در فرهنگ خود مستحیل کردند. (همان، ص ۵۶)

۴- سفرها و مهاجرت‌های علمی

قرآن کریم می‌فرماید:

«فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه/ ۱۲)

«چرا از هر گروه دسته‌ای به طلب علم خارج نمی‌شوند تا در دین عالم باشند» (قریشی،

۱۳۵۰، ج ۷، ص ۹۲)

این آیه دلالت بر حرکت از سرزمین خود به دیار دیگر برای اخذ علم و معرفت دارد. به گفته برخی محققان، یک عامل مهم در ترویج علم در جهان اسلام، «احساس جهان وطنی» است. یعنی دانش پژوهان مسلمان چنانچه ماندن را بر وفق مراد خویش نمی‌دیدند یا خواهان استفاده از استاد یا مدرسه خاصی بودند، به نقطه دیگری می‌رفتند و خدمت در هر نقطه را خدمت به دارالاسلام به حساب می‌آوردند. به دلیل تبعیت از همین بینش بود که مسلمانان برای کسب علم رنج هجرت از دیار را بر خود هموار می‌کردند. (گلشنی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵)

درحقیقت باید ملاحظه کرد آن عاملی که مسلمان را برمی‌انگیزد تا فراتر از سرزمین خود به هر نقطه‌ای که احتمال کسب معرفت دارد، سفر کرده و دانش خود را کامل کنند، آیا چیزی جز سعه صدر و داشتن افق فکری باز و گسترده بوده است؟

۵- نهضت ترجمه

از بارزترین شواهد در زمینه سعه صدر در منظر اسلام وجود نهضت ترجمه (در نیمه اول سده نخستین هجری ترجمه کتابهایی یونانی و سریانی به عربی آغاز شد و آن کتابهایی بود که درباره پزشکی و داروسازی نوشته شده بودند). (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱) که این نهضت در دوره عباسیان به اوج خود رسید. آموزه‌های اسلامی به لحاظ تشویق گفتگوی آزاد با اصحاب ادیان^۱ (انبیاء/ ۲۴) و سایر مخالفان فکری و اعتقادی حاکی از روح تسامح و تساهل بوده و همین امر موجب می‌شود که اقوام مختلف در سرزمین‌های اسلامی با احساس امنیت زندگی کنند. جرجی زیدان می‌گوید:

«یکی از عوامل مؤثر در سرعت پیشرفت تمدن و ترقی و تعالی علوم و ادبیات در دوره عباسیان این بود که مسلمانان در راه ترجمه و نقل علوم از بذل هر چیز گران و مهم دریغ نداشتند و بدون توجه به ملیت و مذهب و نژاد، دانشمندان و مترجمین را احترام می‌کردند و همه نوع با آنها مساعدت می‌کردند. (جرجی زیدان، ترجمه، ۱۳۴۵، ص ۵۸۶، به نقل از گلشنی، ص ۱۰۷)

۶- تعهد به پیروی از برهان

اسلام از یک سوی هرگونه تبعیت از تعصبات بی جا و تقلید کورکورانه را نفی کرده^۲ (مائده/ ۱۰۴) و از سوی دیگر بارها به برهان، دعوت فرموده است.^۳ (بقره/ ۱۱۱) (گلشنی، ۱۰۹) اینک به برخی دلالت‌ها اشاره می‌کنیم: «ولاتقف ما لیس لک به علم...» (اسراء/ ۳۶) «از پی آنچه که نمی‌دانی چیست، مرو...» «و چون به آنها گفته شد که از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند نه، ما به همان راهی می‌روییم که پدران ما می‌رفتند، حتی اگر پدران آنها بی خرد و گمراه بودند» (بقره/ ۱۷۰)

«**ءَ اَلِهَ مَعَ اَللّٰهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ**» (نمل/ ۶۴)
 «آیا با وجود الله، خدای دیگری هست؟ بگو: اگر راست می‌گویید، برهان خویش را بیاورید»

۱. «ام اتخذوا من دونه الهه قل هاتوا برهانکم»

۲. «الوا حسبنا ما وجدنا علیه آياتنا»

۳. «قل هاتوا برهانکم ان کتم صادقین»

بدیهی است نفی تقلید کورکورانه و تأکید بر اقامه دلیل، به وضوح بر وجود رویکرد توأم با سعه صدر در مکتب اسلام دلالت داشته و دارد و همین امر به عنوان یک عامل شکوفایی تمدن اسلام محسوب می‌شود.

نتیجه گیری

بر مبنای مباحث مذکور می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد:

- ۱- در مکتب اسلام از حیث مبانی نظری، دلالت‌های قرآنی و روایی متقن و مکفی برای سعه صدر وجود دارد که به پاره‌ای از آنها اشاره شد.
- ۲- در مکتب اسلام از حیث حوزه عمل، همچون قلمرو نظر، نوعی تعهد به سعه صدر در قبال سایر ادیان و مخالفان فکری و اعتقادی وجود داشته است. بخشی از این تعهدات و شواهد را در سیره نبوی (ص) و علوی (ع) می‌توان ملاحظه کرد.
- ۳- به اعتقاد برخی مورخان، بخشی از پیشرفت سریع اندیشه اسلامی در قرون طلایی مرهون التزام به سعه صدر و تبعات آن است.
- ۴- در عصر حاضر برای تحقق هدف نهایی تربیت که ایجاد تحولات مطلوب در تربیتی است، بیش از گذشته باید از رویکرد مبتنی بر سعه صدر بهره گرفت، زیرا اسلام ناخواسته و مظلومانه همچنان آماج حملات دشمنان خود بوده و متهم به تنگ نظری و دگماتیسم از سوی آنها است. شفاف سازی پیشینه درخشان تاریخ و تمدن اسلام، قادر به خنثی کردن این گونه اتهامات است.
- ۵- آموزش شیوه بردباری و مدارا در برابر عقاید مخالف و ایجاد زمینه‌های روشنگری یکی از وظایف و فعالیت‌های فوق برنامه در مدارس است. با این تدبیر و تمهید می‌توان برای جامعه فردا، شاهد نسلی بود که ظرفیت بالایی در سعه صدر داشته باشد.
- ۶- در متن، چنین آموزشی لازم است که بین تساهل و تسامح مثبت و منفی قائل شد و موارد و مصادیق هر یک از آنها را تبیین کرد.

آموزه‌های قرآنی ناظر به سعه صدر

برخی از آیات قرآن را که بر سعه صدر دلالت دارد ذیلاً در چند محور ارائه می‌دهیم:
محور اول- نسبت خدا و انسان: در این محور باید به پنج نسبت زیر اشاره کرد:

۱) ابتدا در پاره‌ای از آیات خداوند به عنوان علم انسان تلقی شده است: «و علم آدم الاسماء كلها» (بقره/۳۱) «واتقوا الله و يعلمکم الله» (بقره/۲۸۱)، «الذی علم بالقلم» (علق/۴) بر این اساس نسبت خدا و انسان از یک منظر در تعلیم و تربیت معنا می‌یابد.

۲) و از بررسی تعدادی از آیات چنین برمی‌آید که خداوند در رابطه با انسان بر مبنای "تقدم رحمت بر عقوبت" رفتار می‌کند: «غافر الذنب و قابل التوب شدید العقاب» (غافر/۳) و در مواردی نیز از "تخفیف حکم" سخن می‌گوید و می‌فرماید: «الان خفف الله عنکم و علم ان فیکم ضعيفاً» (انفال/۶۶) و در جای دیگری فرمود: «ذلک تخفیف من ربکم و رحمه» (بقره/۱۷۸)

۴) و در جای دیگری از آسانی و سهولتی که خداوند درباره انسان و وظایف او منظور فرموده و سخن می‌گوید: «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر» (بقره/۱۸۵) و نیز آیه: «سیجعل الله بعد عسر یسراً» (طلاق/۷)

۵) در نهایت زمانی که سخن از تکلیف آدمی سخن می‌گوید، وظیفه انسان را متناسب با توانمندی او اعلام می‌کند: «لایکلف الله نفساً ألاً و سعه» (بقره/۲۳۳ و ۲۸۶)

محور دوم- نسبت پیامبران و مردم: در این دسته از آیات:

۱) ابتدا از پیامبر اسلام (ص) به عنوان شخصیتی نام می‌برد که مأموریت اصلی ایشان تعلیم و تربیت مردم است: «... یتلوا علیهم آیاتہ و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمہ» (آل عمران/۱۶۴)

۲) و خلق عظیم دارد: «انک لعلی خلق عظیم» (قلم/۴)

۳) از ویژگیهای ایشان داشتن رفتاری توأم با ملایمت نسبت به مردم است: «فبما رحمہ من الله لنت لهم» (آل عمران/۱۵۹)

۴) و همه پیامبران را در دعوت مردم به سوی خدا، دارای برهان و دلیل آشکار می‌داند: «ولقد جاءتهم رسلنا بالبینات» (مانده/۳۲)

۵) و برای کامل کردن دوره‌های مختلف ارسال پیامبران الهی آنها را پی در پی فرستاد تا کسی در گمراهی و غفلت نماند: «ثم ارسلنا رسلنا تترا کل ما جاء امه رسولها» (مؤمنون/۴۴)

۶) و در ارسال انبیاء الهی ابتدا بر کار فرهنگی و تربیتی تأکید می‌کند و پس از آن اعمال

قدرت و تنبیه را قرار می‌دهد: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان» (حدید/ ۲۵) و (تفسیر نور، ج ۱۱، ص ۴۸۵)

۷) و پیامبر اسلام(ص) را «بشیر و نذیر» معرفی می‌کند: «و بالحق انزلناه و بالحق و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیراً» (اسراء/ ۱۰۵) یعنی مسئولیت پذیرش یا نپذیرفتن مردم با پیامبر نیست و کسی حق تحمیل عقیده بر دیگران را ندارد. (تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۲۸)

۸) در «کیفیت نزول قرآن»، خدای متعال می‌فرماید: «و قرأنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» «و قرآنی که آن را بخش بخش کردیم تا آن را با تأنی و درنگ بر مردم بخوانی و آن را آن گونه که باید به تدریج نازل کردیم» (اسراء/ ۱۰۶)

از پیام‌های این آیه، تدریجی بودن تعلیم و تربیت و ارشاد دیگران استنباط می‌شود و اینکه یک مربی و مصلح باید برای مدت طولانی برنامه داشته باشد تا به تدریج آن حقایق و حیانی را دریابند. (تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۲۹)

محور سوم- نسبت پیامبران و خاطیان:

با توجه به این واقعیت که در برابر دعوت انبیاء بیشتر مردم به مقاومت و مخالفت برخاسته و به پیامبران ایمان نیاوردند «بل اکثرهم لایؤمنون» (بقره/ ۱۰۰)، بلکه عده قلیلی در برابر نعمت‌های الهی راه سپاس را در پیش گرفتند «و قلیل من عبادی الشکور» (سبأ/ ۱۳)، لذا این سؤال اساسی مطرح است که شیوه رفتار پیامبران با مخالفان و خاطیان چگونه است؟ در این زمینه به چند نکته عمده باید توجه کرد:

۱- ابتدا در مقابله با فرعون، به حضرت موسی(ع) و برادر او، هارون دستور می‌دهد که با او (فرعون) به نرمی سخن گفته (فقولا له قولاً لیناً) (طه/ ۴۴) و به او بگویند: آیا دوست دارد پاک شود؟ «هل لک الی ان تزکی» (نازعات/ ۱۸) با توجه به اینکه مخاطب آن دو پیامبر خدا، فرعون است که نه تنها اظهار خدایی کرده، بلکه بالاتر از آن، خود را خدای بلند مرتبه خواند ؛ «فقال انا ربکم الاعلی» (نازعات/ ۲۴)

۲- در مواردی به پیامبر اسلام(ص) دستور منع مقابله با اذیت و استهزاء با دشمنان را داده و به حسن خلق و نیز با خیرخواهی به سوی حق دعوت کردن از آنها امر فرموده؛ «واصبر علی ما یقولون واهجرهم هجرأً جمیلاً» (مزل/ ۱۰) و (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳۹، ص ۲۴۲) و

فرمود آنها را اندکی مهلت بده «و مهلهم قليلاً» (مزمّل/۱۱) یعنی «همان زمان اندکی که در زمین زندگی می‌کنند به آنها مهلت بده» (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳۹، ص ۲۴۳)

۳- زمانی که عده‌ای از خاطیان و گنهکاران اعتراف به تقصیر خود دارند، «أنا كنا خاطئين» (یوسف/ ۹۱) از زبان پیامبر خدا (حضرت یوسف/ع) فرمود: «امروز هیچ خجل و متأثر نباشید که من عفو کردم، خدا گناه شما ببخشد» قال لا تثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم و هو ارحم الراحمين» (یوسف/۹۲) و زمانی دیگر که همان گنهکاران از پدر خود (حضرت یعقوب) درخواست دارند که بر تقصیرات ما از خدا طلب آمرزش کن «استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين» (یوسف/۹۷)

۴- زمانی که قوم نوح (ع) تهمت‌هایی نظیر جنون (قمر/۹)، دروغ‌گویی (هود/۲۷)، گمراهی (اعراف/۶۰) و برتری طلبی (مؤمنون/۲۴) به آن حضرت زدند و اعتراض‌هایی به آن حضرت داشتند (هود/۲۷ و شعراء/۱۱۶) پاسخ حضرتش به تهمت دروغ‌گویی و اعتراض به اینکه آن حضرت بشر است (هود/۲۷) این بود: «من با دلیل و برهان از جانب خداوند آمده‌ام و دارای معجزه هستم» (هود/۲۸) و در ردّ اتهام به اینکه پیروان او تهیدست و گمنام هستند (هود/۲۷) فرمود: «من پیامبر مال و ثروت نیستم که ثروتمندان را بپذیرم و تهیدستان را طرد کنم، من پیامبر الهی هستم و برای هدایت همه آمده‌ام (هود/۲۹) (منشور جاوید، ج ۱۱، ص ۱۲۰) و (هزار و یک نکته از قرآن کریم، ۱۰۸ و ۱۰۹)

محور چهارم- نسبت مردم و خاطیان

براساس برخی آموزه‌های قرآن، مؤمنان در قبال مشرکان و کافران از دشنام دادن منع شده اند؛ «ولا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله عدواً بغير علم...» «شما مؤمنان بر آنها که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید که مبدا آنها به خاطر دشمنی خدا را دشنام دهند» (انعام/ ۱۰۸)

به طور کلی می‌توان گفت که قرآن، مؤمنان را به ده دستور اخلاقی زیر در مقابله با مخالفان سفارش می‌کند که عبارتند از:

۱- حکمت

۲- مؤعظه

۳- مناظره به طریقی نیکوتر

۴- مقابله به مثل در صورت ناگزیری

۵- شکیبایی

۶- قطع چشم داشت از غیر خدا (قربت برای خدا)

۷- نفی اندوه گرای

۸- نفی نگران بودن

۹- یقین به معیت خدا (الهی) با تقوی

۱۰- معیت الهی با نیکوکاران (هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۳۲۳)

جمع بندی و استنتاج

از مطالب مذکور و شاهد قرآنی می توان نتیجه گرفت که:

۱- منظور از سعه صدر گسترش افق عقل و فکر و بلندی روح است برای پذیرش حق و هدایت و این امر نیازمند گذشتن از هوسها و تمنیات دل است. آنکه شرح صدر نداشته باشد، همواره در درون افکار خود می ماند و بیرون نمی آید. نتیجه سعه صدر، بصیرت و نورانیت همراه با قلب رقیق و حق پذیر است.

۲- شرح صدر موهبتی الهی است و قبول حق، ظرفیت و زمینه درونی می خواهد (قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۵۰) لذا علاوه بر درخواست از درگاه الهی برای داشتن شرح صدر باید در تمهید مقدمات و زمینه های باطنی آن کوشید.

۳- از نشانه های سعه صدر تسلیم خدا بودن، اطمینان به او داشتن و دلگرم شدن به وعده های الهی است و نشانه ضیق صدر (تنگ نظری)، تردید و اضطراب است و از سنت های الهی آن است که برای پاکدلان حق پذیر شرح صدر قرار دهد. (امام رضا(ع)) (قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۴۹) نتیجه آنکه در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر آرامشی نهفته است که متکی بر دلگرمی و وثوق به وعده های الهی است.

۴- از تبعات شرح صدر، حسن ظن (گمان نیکو) است، لذا براساس آموزه های دین، به مؤمنان، به حسن ظن در قبال رویدادها توصیه شده است (دهقان، ۱۳۸۳، هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۳۳۴) نتیجه آنکه در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر، تقویت و پرورش

حسن ظن (خوش بینی) یا موج مثبت یک ضرورت است.

۵- از نشانه‌های دیگر شرح صدر، جداشدن از سرای غرور (دلبستگی به دنیا) و توجه به منزل جاوید (آخرت) است «افمن شرح الله صدره للاسلام» (زمر/۲۲) (دهقان، ۱۳۸۳، هزار و یک نکته از قرآن کریم، ص ۳۳۰ و عبدعلی بن جمعه العروسی الحویزی (ف۱۱۲ق)، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۸۵ و قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۴۸) نتیجه آنکه در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر، غایات و اهداف تربیتی محدود به مرزهای دنیا نیست، بلکه فراتر از آن، به حیات اخروی نیز ناظر است.

۶- از ویژگی‌های دعوت پیامبران بر مبنای کلام الهی، تقدم "بشارت" بر "انذار" است. در قرآن کریم "بشیر و نذیر" به طور توأمان در چهار مورد از آیات الهی آمده است که در همه آنها "بشیر" بر "نذیر" مقدم است (سبأ/۲۸، بقره/۱۱۹، فاطر/۲۴ و فصلت/۴) و "مبشراً و نذیراً" نیز توأمان در چهار مورد از آیات الهی آمده است که عبارتند از: (اسراء/۱۰۵، فرقان/۵۶، احزاب/۴۵ و فتح/۸) و نتیجه آنکه در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر، تقدم رتبی و کیفی "رحمت بر غضب" منظور نظر است.

۷- بشارت و انذار نشانه اختیار انسان است. در قرآن کریم مکرر آمده است که آنچه بر خداوند است، فرستادن پیامبری معصوم با منطق حق همراه با بشارت و انذار است. حال مردم خود آزادانه یا راه حق را می‌پذیرند یا سرسختانه لجاجت می‌کنند. (تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۹۲) نتیجه آنکه در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر، بر منطق صحیح و استوار مربی و اختیار مربی در انتخاب تأکید می‌شود.

۸- از ویژگی‌های پیامبر اسلام (ص) در مواجهه با مخالفان شریعت، هنر خوب شنیدن آن حضرت است. به گونه‌ای که قرآن کریم حضرت را از زبان دشمنان این گونه معرفی می‌کند که گفتند: «... هو اذن» (توبه/۶۱) یعنی «او گوش است» (فقط می‌شنود) نتیجه آنکه در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر تمایل مریبان و معلمان به شنیدن سخن مخالفان بیش از گرایش به سخن گفتن با آنهاست و این به معنای اعطای فرصت برای تغییر نگرش مخالفان است.

۹- به گفته برخی مفسران، قرآن در بیست و سه سال نازل شد. تا "تعلیم" یا "تربیت" و "علم" با "عمل" توأماً پیش رفته باشد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۶، ص ۱۷) در تفسیر آیه شریفه «و قراناً فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً» (اسراء/۱۰۶) آمده است: «...»

خدای تعالی پس از پدید آمدن استعداد‌های مختلف در مردم و به کمال رسیدن توانایی آنها برای تلقی هر یک از آنها نازل کرد. (تفسیر المیزان، ج ۲۶، ص ۱۶ و ۱۷) این مطالب دلالت بر اصل تدریج دارد و نتیجه آنکه در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر، مراحل تربیت متناسب با توانایی متربی و براساس تناسب و تدریج انجام می‌شود.

۱۰- از بررسی مواردی از آیات قرآنی مشخص شد که باور به امکان اصلاح متربی خطاکار و زمینه برای بازگشت پذیری او وجود دارد. از این مؤلفه‌ها و دلالتها این نتیجه حاصل می‌شود که در تعلیم و تربیت مبتنی بر شرح صدر، راه بازگشت به متریان خطاکار باز است و یأس و ناامیدی نه برای آنها و نه برای مؤمنان جایگاهی ندارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- در تألیف مقاله حاضر علاوه بر قرآن کریم از منابع زیر استفاده شده است:
- جرجی زیدان، (۱۳۴۵). *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، امیر کبیر.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۴). *تفسیر موضوعی قرآن*، ج ۹، تهران، اسراء.
- خامنه ای، سیدعلی، (۱۳۸۵). *شعاعی از نیر اعظم*، تهران، دفتر فرهنگی فخرالائمه.
- دهقان، اکبر، (۱۳۸۳). *هزار و یک نکته از قرآن کریم*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم.
- رستگار، مرتضی، (۱۳۸۵). *غیرت دینی و امر به معروف، تسامح و اعتدال در مکتب فاضلین نراقی (ره)*، پیام حوزه، ش ۳۳.
- زین الدین، شیخ، (شهید ثانی)، (۱۳۸۵). *منیه المرید (آداب تعلیم و تعلم در اسلام)*، ترجمه سیدمحمد باقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۰ ق). *فرازهایی از تاریخ اسلام*، تهران، غدیر.
- شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۲). *تاریخ تحلیلی اسلام*، تهران، دانشگاهی.
- عمید حسن، (۱۳۴۳). *فرهنگ لغت فارسی عمید*، تهران، امیرکبیر.
- فرید، مرتضی، (۱۳۷۳). *الحديث (روایات تربیتی)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، جلد‌های ۱ و ۳ و ۶ و ۷ و ۱۱، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن کریم.
- قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۵۰). *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- کلینی، ابواسحاق، (۱۳۵۰). *اصول کافی*، ترجمه سیدحسن مصطفوی، تهران، دارالکتب اسلامیه.
- گلشنی، مهدی، (۱۳۷۷). *از علم سکولار تا علم دینی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۶۲). *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، ج ۳۹ و ۲۶، کانون انتشارات محمدی.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۵). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی، محمدکاظم، محمد، دشتی، (۱۳۶۹). *المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه*، چاپ دوم،

قم، امام علی (ع).
محمودی ری شهری، محمد، (۱۳۶۲). *میزان الحکمه*، ج ۶، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
محمودی، مجتبی، (۱۳۸۵). *تساهل منفی و تساهل مثبت*، سایت تبیان.
مفید، محمدبن نعمان، (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، مؤسسه آل بیت (ع).
مینوی، مجتبی، (۱۳۸۵). *تسامح آری یا نه؟*، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
نخستین، مهدی، (۱۳۶۷). *تاریخ سرچشمه‌های اسلامی آموزش و پرورش غرب*، ترجمه عبدالله ظهیری، مشهد، آستان قدس رضوی.
وکیلی، نجمه، (۱۳۸۳). *بررسی موضوع سعه صدر در گستره تعلیم و تربیت با تأکید بر آراء «ویلیام هر»*، پایان نامه دکترای رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

Dibos, A, (2003). "Openness" to/ for What? Democratic Citizenship education and the broadening of space where conflict can be understood and dealt with more responsibly.
Gardner, P, (1983). *Problems in the study of cognition*, Mc Graw Hill . Company.
Hare, W, (1979). *Open- Mindedness and Education*, McGill, Queen's , University press wikipedia, the free encyclopedia.
Hare, W, (1996). The Open Minded Teacher: Teaching politics, *Journal of philosophy of Education*, 5,1, 25-32

برای توضیح بیشتر ر.ک به:

Tolerance, Wikipedia the free encyclopedia,
Toleration, Wikipedia the free encyclopedia,
Toleration and Morality: A Reply to pratte, (2008). John McPeck, University of Western Ontario.
Openness, Accidentality, and Responsibility, (1994). Daniel Cohen, New York, John Wiley press.